

آیا امیر المؤمنین علیه السلام به حدیث غدیر احتجاج کرده است؟

سؤال کننده : سهیل

پاسخ :

امیر مؤمنان علیه السلام و بقیه ائمه معصومین علیهم السلام در موارد بسیاری به حدیث غدیر احتجاج کرده‌اند که ما بنا به درخواست جناب عالی به چند احتجاج از امیر مؤمنان علیه السلام بسنده می‌کنیم .

1. احمد بن حنبل در مستدش با سند صحیح نقل می‌کند :

مَدَّتْنَا عَبْدُ اللَّهِ مَدَّتْنِي أَبِي مَدَّتْنَا مُسَيْنُ بْنُ مُمَمِّدٍ وَأَبُو نَعِيمٍ الْمَعْنَى قَالَا مَدَّتْنَا فِطْرُ عَنْ أَبِي الطُّفَيْلِ قَالَ جَمَعَ عَلِيُّ النَّاسَ فِي الرَّمْبَةِ ثُمَّ قَالَ لَهُمْ أَنْشُدُوا اللَّهَ كُلَّ امْرِئٍ مُسْلِمٍ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- يَقُولُ يَوْمَ غَدِيرِ فَمِمَّا سَمِعَ لَمَّا قَامَ . فَقَامَ ثَلَاثُونَ مِنَ النَّاسِ - وَقَالَ أَبُو نَعِيمٍ فَقَامَ نَاسٌ كَثِيرٌ - فَشَهِدُوا مِنِّي أَفْذَهُ بِيَدِهِ فَقَالَ لِلنَّاسِ « أَتَعْلَمُونَ أَنِّي أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ » . قَالُوا نَعَمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ . قَالَ « مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ مَوْلَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ » . قَالَ فَفَرَجْتُ وَكَانَ فِي نَفْسِي شَيْئًا فَلَقِيتُ زَيْدَ بْنَ أَرْقَمَ فَقُلْتُ لَهُ إِنَّي سَمِعْتُ عَلِيًّا يَقُولُ كَذَا وَكَذَا . قَالَ فَمَا تَنْكَرُ قَدْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- يَقُولُ ذَلِكَ لَهُ .

مسند احمد ، ج 4 ، ص 370 ، ج 19823 .

حضرت علی علیه السلام مردم را در رمبه گرد آورد و فرمود : سوگند می‌دهم هر مرد مسلمانی که غدیر فم

را به خاطر دارد و سغنی را که در آن روز از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیده است ، از جا برخیزد .

سی تن از مردم برای اقامه شهادت بپا فاستند - ابو نعیم گفته است که افراد بسیاری شهادت دادند - و

اعلام کردند آن هنگام که رسول خدا صلی الله علیه و آله دست امیر المؤمنین علی علیه السلام را به دست

مبارک خود گرفت فطاب به مردم فرمود :

آیا می‌دانید که من شایسته‌تر به مؤمنان از خود آنها می‌باشم ؟ همگی فرمایش رسول خدا صلی الله علیه

و آله را تصدیق کردند . رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود :

هر کس من مولای او هستم ، این [علی] مولای او است ، پروردگارا ! دوست علی را دوست بدار ، و دشمن

علی را دشمن بدار .

ابو طفیل گفت : از میان جمع در حالی بیرون رفتم که در فودم احساس ناراحتی می‌کردم ، و در بازگشت از

اجتماع مردم ، به دیدار «زید بن ارقم» رفتم و به او گفتم : از علی چنین و چنان شنیدم و ناراحت شدم !

«زید» گفت : آنچه را که شنیدی انکار مکن ! به دلیل آن که ، آنچه را که استماع کرده‌ای من فود از رسول

فدا صلی الله علیه و آله شنیده‌ام !

هیثمی بعد از نقل روایت می‌گوید :

رواه أحمّد ورجالہ رجال الصمیح غیر فطر بن فلیفہ و هو ثقہ .

مجمع الزوائد ومنبع الفوائد ، علی بن ابی بکر الهیثمی (متوفای 807 هـ) ج 9 ، ص 104 ، ناشر : دار الریان للتراث/دار الكتاب

العربی - القاهرة ، بیروت - 1407 .

این روایت را احمد نقل کرده و راویان آن ، راویان صحیح بخاری هستند ؛ غیر از فطر بن فلیفه که او

نیز مورد اعتماد است .

2 . احمد بن حنبل در مسندش می‌نویسد :

مَدَّتْنَا عَبْدُ اللَّهِ مَدَّتْنِي أَبِي مَدَّتْنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ مَدَّتْنَا شُعْبَةُ عَنْ أَبِي إِسْمَاقَ قَالَ سَمِعْتُ سَعِيدَ بْنَ وَهَبٍ

قَالَ نَشَدَ عَلِيَّ النَّاسَ فَقَامَ فَمَسَّهُ أَوْ سِتَّهُ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ -صلى الله عليه وسلم- فَشَهِدُوا أَنَّ رَسُولَ

اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- قَالَ « مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ » .

مسند احمد ، ج 5 ، ص 366 ، ح 23808 .

سعید بن وهب گوید : حضرت علی علیه السلام در رمبه ، حاضران را سوگند داد که هر کس در روز غدیر قم

سفی در حق من از رسول فدا صلی الله علیه و آله شنیده است از جا برمی‌زد . در این هنگام پنج تن و یا

شش تن برخاستند و گواهی دادند که آنان در آن روز از رسول فدا صلی الله علیه و آله در محل غدیر

شنیدند، فطاب به مردم فرمود:

هر کس من مولای او هستم ، این علی نیز مولای اوست

هیثمی بعد از نقل روایت می‌گوید :

رواه أحمّد ورجالہ رجال الصمیح .

3. ابوبکر بزار در بحر الذخار می نویسد :

مَدَّتْنَا يُونُسُ بْنُ مَوْسَى ، قَالَ : ثنا عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ مَوْسَى ، عَنْ فِطْرِ بْنِ فُلَيْفَةَ ، عَنْ أَبِي إِسْمَاقَ ، عَنْ عَمْرِو ذِي مَرٍّ ، وَعَنْ سَعِيدِ بْنِ وَهَبٍ ، وَعَنْ زَيْدِ بْنِ يَثِيعٍ ، قَالُوا : سَمِعْنَا عَلِيًّا ، يَقُولُ : نَشَدْتُ اللَّهَ رَبِّمُنَا سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ، يَقُولُ يَوْمَ غَدِيرِ فَمٍّ لَمَّا قَامَ ، فَقَامَ إِلَيْهِ ثَلَاثَةٌ عَشَرَ رَجُلًا ، فَشَهِدُوا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ، قَالَ : أَلَسْتُ أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ ، قَالُوا : بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ ، قَالَ : فَأَخَذَ بِيَدِ عَلِيٍّ ، فَقَالَ : مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا مَوْلَاهُ ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ ، وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ ، وَأَمِبْ مَنْ أَمَبَهُ ، وَأَبْغِضْ مَنْ أَبْغَضَهُ ، وَأَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ ، وَأَفْضِلْ مَنْ فَذَلَهُ .

البحر الزخار (مسند البزار)، أبو بكر البزار (متوفى 292 هـ) ج 3، ص 35، ح 786، ناشر: مؤسسة علوم القرآن، مكتبة العلوم والحكم - بيروت، المدينة - 1409، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. محفوظ الرحمن زين الله .

ابو اسحاق از عمرو بن ذی مرّ، سعید بن وهب و زید بن یثیع نقل کرده است که هر سه به اتفاق هم گفتند که شنیدیم حضرت علی علیه السلام سوگند می داد که هر کسی از شما از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در روز غدیر هم آن چه را درباره من فرموده، شنیده است، شهادت خود را اعلام نماید. سیزده تن از حاضران از جای خود برخاستند و گواهی خود را اعلام داشتند که از آن حضرت صلی الله علیه و آله شنیدیم، فرمود: آیا من از جان مؤمنان سزاوارتر از خود آنها نیستم؟ مردم فرموده آن حضرت را تصدیق کردند. در این هنگام دست علی علیه السلام را گرفت و فرمود:

«من كنت مولاة فعلى مولاة اللهم وال من والاه و عاد من عاداه وامب من امبه و ابغض من ابغضه و انصر من نصره و افذل من فذله» .

هیثمی بعد از نقل روایت می گوید :

رواه البزار و رجاله رجال الصمیع غیر فطر بن فلیفه و هو ثقة .

این روایت را بزار نقل کرده و تمام راویان آن، راویان صحیح بخاری هستند، غیر از فطر بن فلیفه که او نیز قابل اعتماد است .

مَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ ثَنَا عَلِيُّ بْنُ مَكَيْمٍ الْأَوْدِيُّ أَنْبَأَنَا شَرِيكٌ عَنْ أَبِي إِسْمَاقَ عَنْ سَعِيدِ بْنِ وَهَبٍ وَعَنْ زَيْدِ بْنِ يَثِيعَ قَالَ
نَشَدَ عَلِيُّ النَّاسَ فِي الرِّمْبَةِ مِنْ سَمْعِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ يَوْمَ غَدِيرِ فُمٍّ إِلَّا قَامَ قَالَ فَقَامَ مَنْ
قَبْلَ سَعِيدِ سِتَّةٌ وَمِنْ قَبْلِ زَيْدِ سِتَّةٌ فَشَهِدُوا أَنَّهُمْ سَمِعُوا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ لَعَلَى رَضِيَ اللَّهُ
عَنْهُ يَوْمَ غَدِيرِ فُمٍّ أَلَيْسَ اللَّهُ أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ قَالُوا بَلَى قَالَ اللَّهُمَّ مَنْ كُنْتَ مَوْلَاهُ فَعَلَى مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ
وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ .

مسند الإمام أحمد بن حنبل ، أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني (متوفای 241 هـ) ج 1 ، ص 118 ، ح 950 ، ناشر : مؤسسة قرطبة – مصر .

أَبِي إِسْمَاقَ مِنْ سَعِيدِ بْنِ وَهَبٍ وَ «زَيْدِ بْنِ يَثِيعَ» رَوَايَتٌ كَرِهَهَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الشَّيْبَانِيُّ (متوفای 241 هـ) ج 1 ، ص 118 ، ح 950 ، ناشر : مؤسسة قرطبة – مصر .
در رمبه ، حاضران را سوگند داد که هر کس در روز غدیر فم سفنی در حق من از رسول خدا صلی الله علیه و
آله شنیده است از جا برفیزد . در این هنگام شش تن از کنار سعید بن وهب و شش تن از کنار زید بن یسع
برفاستند و گواهی دادند که آنان در آن روز از رسول خدا صلی الله علیه و آله در ممل غدیر شنیدند ، قطاب
به مردم فرمود :

آیا فداوند از مؤمنان به خودشان سزاوارتر نیست ؟

حاضران گفتند :

آری ! خدا بر همگی آنان اولویت دارد .

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود :

بارفدایا هر که من مولای او هستم ، این علی مولای اوست ، بارفدایا دوست بدار کسانی که او را دوست

دارند و دشمن باش با کسی که با او دشمنی ورزد .

البانی بعد از نقل این روایت می گوید :

و أفرج عبد الله بن أحمد في " زوائد على المسند " (1 / 118) عن سعيد بن وهب و زيد بن يثيع قال : نشد

على الناس في الرمبة : من سمع رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول يوم غدير (فم) إلا قام ، فقام من

قبل سعيد ستة ، و من قبل زيد ستة ، فشهدوا ... الحديث .

و قد مضى فى الحديث الرابع الطريق الثانية و الثالثة . و إسناده مسن ، و أخرجه البزار بنموه و أتم منه .

و للحديث طرق أخرى كثيرة جمع طائفة كبيرة منها الهيئى فى " المجمع " (9 / 103 - 108) و قد

ذكرت و فرجت ما تيسر لى منها مما يقطع الواقف عليها بعد تمقيق الكلام على أسانيدھا بصمة الحديث يقينا ،

و إلا فهى كثيرة جدا ، و قد استوعبها ابن عقدة فى كتاب مفرد ، قال المافظ ابن حجر : منها صحاح و منها مسان .

و جملة القول أن حديث الترجمة حديث صحيح بشطريه ، بل الأول منه متواتر عنه صلى الله عليه وسلم كما

ظهر لمن تتبع أسانيدھ و طرقھ ، و ما ذكرت منها كفاية .

السلسلة الصحيحة ، ج 4 ، ص 249 ، طبق برنامہ المكتبة الشاملة .

عبد الله پسر احمد در آنچه بر مسند احمد افزوده است ، از سعيد بن وهب و زيد بن يثيع نقل کرده كه اين دو

نفر گفته‌اند : على در رمبه مردم را سوگند داد كه هر كس حديث غدیر را از رسول خدا شنیده است از جا بر فيزد .

بعد از شش نفر از کنار سعيد و شش نفر از کنار زيد شهادت دادند ...

و در حديث چهارم - در طريق داشت دوّم و سوّم - نیز اين روايت گذشت . سند آن نيكو است و بزار نیز همانند

آن را به شكل كامل‌ترى نقل کرده است.

و برای اين روايت سندهای بسيارى وجود دارد كه طايفه بزرگى از علما آن را نقل کرده‌اند ؛

از جمله هيئى در مجمع الزوائد .

من نیز تا اندازه‌ای كه در توانم بود اين روايات را بعد از تمقيق سندهای آن ، آن‌هایی را كه سندش قطعى

بوده نقل كردم و گر نه اين روايت طرق بسيارى دارد . و ابن عقده نیز آن را در كتابى جداگانه آورده است .

ابن حجر عسقلانى در باره حديث غدیر گفته : بعضى از روايات غدیر صحيح و بعضى از آن مسن هستند .

و فاصله اين كه اين حديث با هر دو قسمتش [من كنت مولاه ... اللهم وال من والاه] صحيح است ؛ بلكه

قسمت اول آن به صورت متواتر از رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم نقل شده ؛ چنانچه برای كسانى كه

در سند آن تمقيق کرده‌اند ، مطلب آشكارى است و من به اندازه كافى آن را ذكر كردم .

5 . احمد بن حنبل در مسندش مى‌نويسد :

مَدَّتْنَا عَبْدُ اللَّهِ مَدَّتْنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ الْقَوَارِيرِيُّ مَدَّتْنَا يُونُسُ بْنُ أَرْقَمَ مَدَّتْنَا يَزِيدُ بْنُ أَبِي زِيَادٍ عَنْ عَبْدِ الرَّمَّانِ

بْنِ أَبِي لَيْلَى قَالَ شَهِدْتُ عَلِيًّا فِي الرَّمْبَةِ يَنْشُدُ النَّاسَ أَنْشُدَ اللَّهَ مَنْ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- يَقُولُ
 يَوْمَ غَدِيرِ فُمٍّ « مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَحَلِيٌّ مَوْلَاهُ ». لَمَّا قَامَ فَشَهِدَ. قَالَ عَبْدُ الرَّمَنِ فَقَامَ اثْنَا عَشَرَ بَدْرِيًّا كَأَنِّي أَنْظُرُ
 إِلَى أَمَدِهِمْ فَقَالُوا نَشْهَدُ أَنَّ سَمِعْنَا رَسُولَ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- يَقُولُ يَوْمَ غَدِيرِ فُمٍّ « أَلَسْتُ أَوْلَى
 بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَأَزْوَاجِي أُمَّهَاتُهُمْ ». فَقُلْنَا بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ « فَمَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَحَلِيٌّ مَوْلَاهُ
 اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ ».

مسند احمد ، ج 1 ، ص 119 ، ح 973 .

البانی بعد از نقل روایت می گوید :

السادسة : عن عبد الرمن بن أبي لیلی قال : " شهدت عليا رضي الله عنه في الرمبة ينشد الناس .. " . فذكره
 مثله دون زيادة " و انصر ... " .

أفرجه عبد الله بن أحممد (1 / 119) من طريق يزيد بن أبي زياد و سماك بن عبيد بن الوليد العبسي عنه .

قلت : و هو صميح بمجموع الطريقين عنه ، و فيهما أن الذين قاموا اثنا عشر . زاد في الأولى : بدریا .

السلسلة الصحيحة ، ج 4 ، ص 249 ، طبق برنامہ المكتبة الشاملة .

طريق ششم از عبد الرمن بن أبي لیلی است که گفت : در روز رمبه حاضر بودم که علی علیه السلام مردم را
 سوگند می داد ...

عبد الله ، پسر احممد بن منبل این روایت را از طریق یزید بن زیاد و سماک بن عبيد بن وليد عبسی نقل کرده است .

نظر من این است که این روایت با در نظر گرفتن هر دو سند ، صميح است . در هر دو روایت این مطلب وجود

دارد که کسانی که شهادت دادند ، دوازده نفر بودند ؛ ولی در روایت اول این مطلب اضافه شده است که

همه دوازده نفر بدری بوده اند .

موفق باشید

گروه پاسخ به شبهات

مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر (عج)